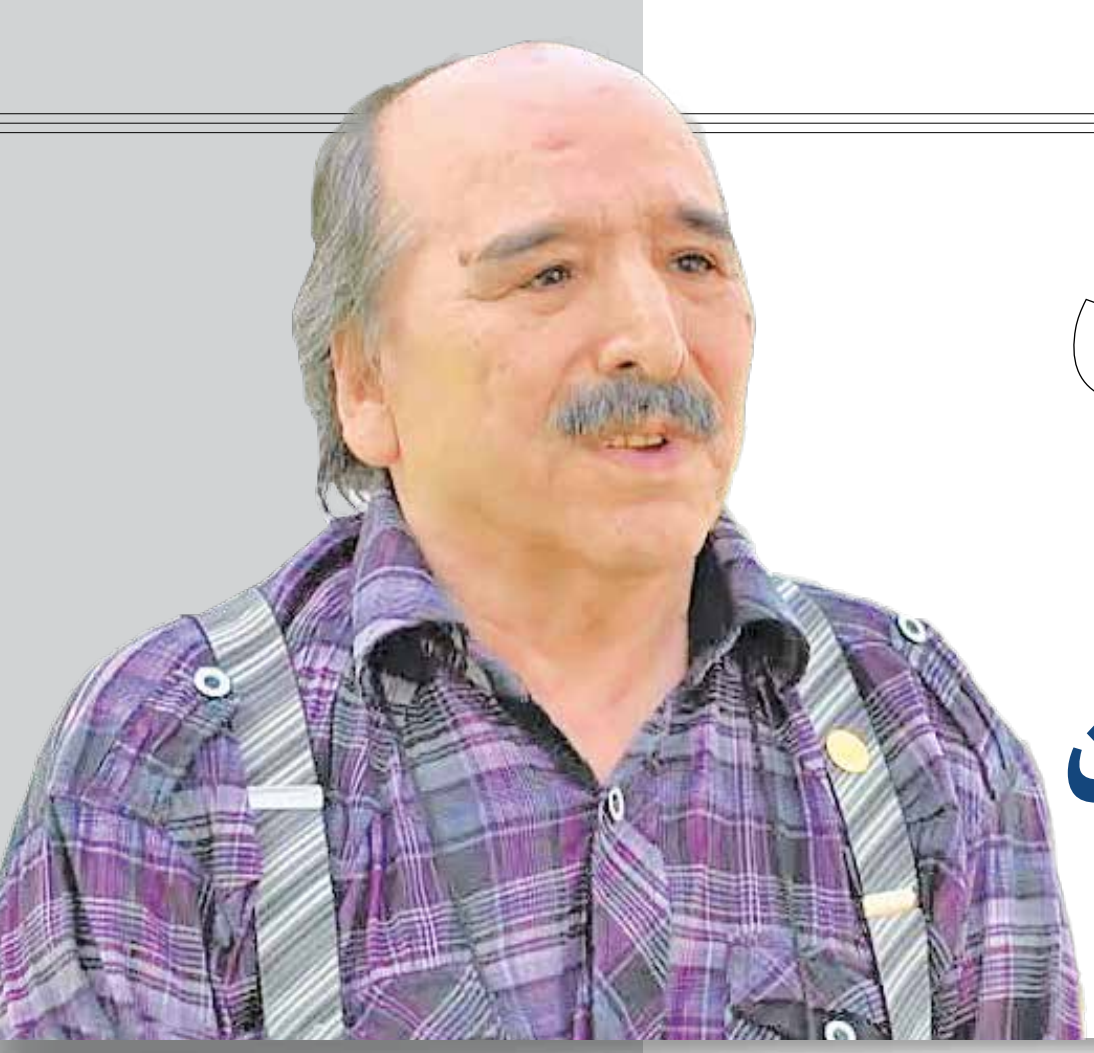

مروری بر کارنامه هنری اسماعیل سلطانیان؛

از دریافت جایزه سیمرغ بلورین تا چندین سال بیکاری اجباری

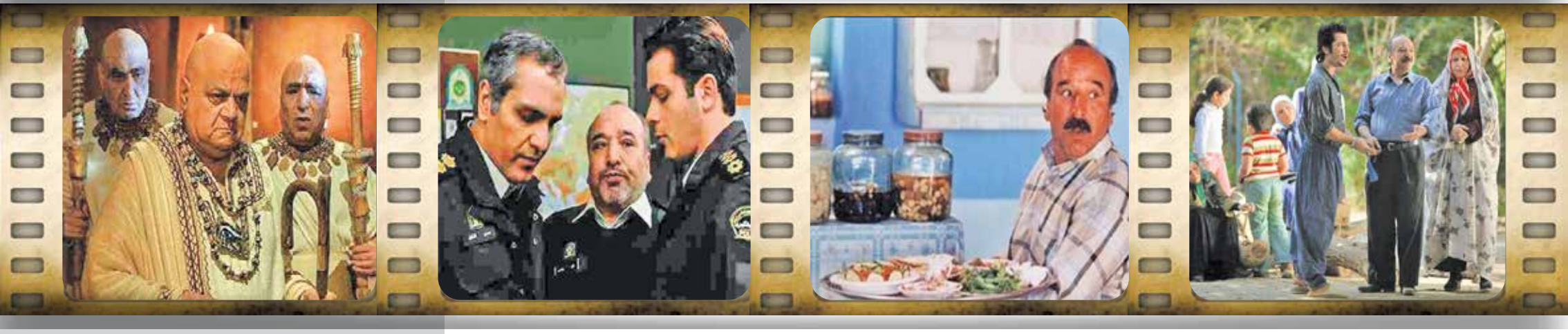

ونوس بهنود
نویسنده

موج جنجال و حاشیه ساخته و پرداخته برخی چهره‌های هنری موجب شده تا برخی پیشکسوتان فعالیت خود را خواسته یا ناخواسته کمتر کنند، اما گاهی مرگ، تلخی این جدایی را همیشگی می‌کند.

اسماعیل سلطانیان یکی از چهره‌های محبوب و بی‌حاشیه سینمای ایران در حالی چندی پیش به دیار باقی شتافت که کارنامه اخلاق حرفه‌ای وی درس عبرتی است برای علاقه‌مندان به این حوزه. هنرمندی که با دغدغه وارد سینما شد و تا لحظه مرگ نیز دغدغه تولید آثار فاخر را داشت و امیدوار بود که بتواند دوباره در مقابل دوربین قرار گرفته و در یک تولید خوب مشارکت کند.

سلطانیان در ۲۶ فروردین ۱۳۳۳ در کرمانشاه به دنیا آمد. وی فارغ‌التحصیل بازیگری و کارگردانی تئاتر از دانشکده هنرهای دراماتیک بود. فعالیت هنری را از سال ۱۳۴۹ زمانی که ۱۶ سال بیشتر نداشت با تئاتر به‌عنوان نویسنده، بازیگر و کارگردان آغاز کرد. همزمان در سال ۱۳۴۹ در مرکز آموزش هنرهای دراماتیک کرمانشاه یک دوره شش‌ماهه را زیر نظر آتش تقی‌پور گذراند. در سال ۱۳۵۰ دو فیلمنامه نوشت که تصویب شد ولی نتوانست بسازد. در سال ۱۳۵۷ به تهران آمد و در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی مشغول به کار شد و مدرس چند کلاس بازیگری و کارگردانی نیز بود. فعالیت در سینما را از سال ۱۳۶۴ با بازی در فیلم «شکار شکارچی» آغاز کرد. همچنین در طول جنگ نیز چند تئاتر در جبهه‌ها به روی صحنه برد.

۲۸ فیلم سینمایی، ۲۱ فیلم تلویزیونی و آثار متعدد نمایشی بخشی از فعالیت هنری این بازیگر پیشکسوت را شامل می‌شود. از این هنرمند نقش‌هایی چون کاهن معبد در «یوسف پیامبر»، عمو بهرام در «وضعیت سفید» و نقش‌هایی که در مجموعه‌هایی چون «ستایش»، «رستگاران»، «مرد هزار چهره» و «معراجی‌ها» بازی کرد، در ذهن مخاطبان به یادگار مانده است.

وی به خاطر بازی در فیلم بایسیکل‌ران ساخته محسن مخملباف نامزد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم مرد از هفتمین جشنواره فیلم فجر شد.

بازیگر بی‌حاشیه‌ای بود

اهالی سینما این بازیگر را به‌عنوان فردی بی‌حاشیه و متعهد در کار می‌شناسند تا جایی که پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون، از اسماعیل سلطانیان به‌عنوان بازیگری بی‌حاشیه و اخلاق‌مند در سینمای ایران یاد کرد. کیانوش گرامی درباره ویژگی‌های مرحوم اسماعیل سلطانیان، اظهار داشت: اسماعیل هنرمندی واقعی بود. ما آدم بد در سینما خیلی کم داریم و اسماعیل از خوبان واقعی سینما بود و بی‌حاشیه زندگی می‌کرد.

وی که در مجموعه تلویزیونی همه بچه‌های ما (تاجبخش فنائیان ۱۳۹۷) برای آخرین بار در کنار اسماعیل سلطانیان ایفای نقش کرده، افزود: با اسماعیل سلطانیان چند بار همکاری داشتم و بی‌حاشیه بودن و سالم بودن از خصوصیت‌های منحصر به فرد او بود.

این بازیگر پیشکسوت ادامه داد: از نظر بازی، اسماعیل سلطانیان در نقش خود بسیار خوب ظاهر می‌شد و به خوبی از عهده نقش‌ها بر می‌آمد؛ برای بازی وقت می‌گذاشت و هرگز ندیدم سناریو به دست بگیرد و سر صحنه حفظ کند.

گرامی اظهار داشت: اسماعیل آنقدر توی حس می‌رفت که نقش را مال خود می‌کرد و بازی خیلی روانی داشت. بیشترین حُسن او بدون حاشیه بودن او بود. اخلاق‌مند بود و با همه عوامل رفتار بسیار پسندیده‌ای داشت و دوست نداشت کسی از او برنجد.

گرامی از اهالی رسانه گلایه کرد و گفت: چرا باید در زمانی به فکر کسانی چون اسماعیل سلطانیان باشید که دیگر در میان ما نیستند؟ چرا این بزرگواران را در زمان حیات‌شان آنهایی که متولی سینما و تلویزیون هستند درنمی‌یابند؟ چرا وقتی که هنرمند به رحمت خدا می‌رود، سراغش را می‌گیرند؟

بی‌حاشیه و متعهد بودن این بازیگر حتی در پیام تسلیت معاون سیما نیز دیده می‌شود.

محسن برمهانی در این پیام گفته است: «جامعه هنری و خانواده بزرگ سیما، داغدار درگذشت بازیگری خوشنام و خوش‌اخلاق است. بازیگری تحصیلکرده و با دانش اما بی‌حاشیه و بی‌ادعا که نقش‌آفرینی‌هایش هیچ گاه از خاطره‌ها فراموش نخواهد شد. نقش‌هایی چون کاهن معبد در «یوسف پیامبر»، عمو بهرام در «وضعیت سفید» و نقش‌هایی که در مجموعه‌هایی چون «ستایش»، «رستگاران»، «مرد هزار چهره»، «معراجی‌ها» و... ایفا کرد. سلطانیان از هنرمندان متعهدی بود که همیشه با مردم و در کنار مردم زیست و یادش در قلب‌های مردم زنده خواهد ماند.»

بازیگری علاقه‌مند که توان کار کردن نداشت

اسماعیل سلطانیان در گفت‌وگو با رسانه‌ها و در آخرین صحبت‌هایش گفته بود که فعلاً ناتوان است باید صبر کند ببیند خدا برایش چه می‌خواهد و آیا می‌تواند به عرصه بازیگری برگردد یا خیر.

سلطانیان که آخرین کار تلویزیونی‌اش سریال «قورباغه» (ساخته هومن سیدی) برای شبکه نمایش خانگی بود، گفت که بعد از این سریال متأسفانه دیگر توان کار کردن نداشته است.

این بازیگر درباره علاقه‌اش به بازیگری و اینکه چقدر دوست دارد دوباره مقابل دوربین دیده شود، خاطرنشان کرده بود: اگر بهتر شوم چراکه نه؛ به امید خدا هر چه که او بخواهد همان می‌شود. من شغلم را خیلی دوست دارم. از ۱۲ سالگی در کار بازیگری بودم. عاشق کارم هستم اما الان متأسفانه ناتوانم و فعلاً در منزل استراحت می‌کنم تا ببینم چه می‌شود.

وقتی از آرزوهایش پرسیده بودند، گفته بود که آرزویش فقط این است که مثل انسان زندگی کنیم، هوای یکدیگر را داشته باشیم و با هم مهربان باشیم؛ مثل انسان‌های واقعی. او تأکید کرده بود از خدا می‌خواهد کمکش کند روی پاهایش بایستد و خوب باشد که نگاه مهربان فرزندانش کمتر مضطرب شود.

اسماعیل سلطانیان در واکنش به این جمله که آیا مدیران سینما و تلویزیون جویای احوالش هستند و صحبتی با آنها دارد گفته بود که کم و بیش جویای احوالش هستند و برخی دوستان تماس می‌گیرند. او خاطرنشان کرده بود: همه می‌دانند که مدت‌هاست جراحی کرده و توان کار کردن ندارد و حال خوشی هم ندارد اما باز هم خدا را شکر کرده بود.

همان روزها بود که با او تماس گرفتم و ناگهان بغض او ترکید. در صف گرفتن دارو بود اما تمام فکر و ذهن و نگرانی‌اش برای هنرهای نمایشی بود. صدایش آن صلابت گذشته را نداشت و حتی خیلی سخت می‌شنید. از محبت‌های مردم در کوچه و خیابان گفت و بی‌مهری‌هایی که مسئولان عرصه فرهنگی به او کرده‌اند و حالی از او نمی‌پرسیدند گفت.

حالش این سال‌ها اصلاً خوب نبود. همه فکر می‌کردند تنها درد او درد جسمی است، یا از بیکاری و کم‌کاری‌هایش رنج می‌برد. اما بیشتر می‌گفت نگران آینده تصویر ایران اسلامی‌ام. همواره این عبارت را به کار می‌برد. می‌گفت آثار فاخری در این سال‌ها نمی‌بینم که به آنها ببالم. چرا باید چنین کارهای سخیف و سطحی در نمایش خانگی و حتی تلویزیون ساخته شود؟

غم یک پیشکسوت

این هنرمند پیشکسوت کشورمان گفته بود که حرف خاصی با کسی ندارد فقط مثل همیشه احترام به پیشکسوتان را تأکید کرده بود.

در عین حال خبرگزاری تسنیم نیز نتیجه گفت‌وگو با این هنرمند را اینچنین انعکاس داده است که «حالش این سال‌ها اصلاً خوب نبود. همه فکر می‌کردند تنها درد او درد جسمی است، یا از بیکاری و کم‌کاری‌هایش رنج می‌برد. اما بیشتر می‌گفت نگران آینده تصویر ایران اسلامی‌ام. همواره این عبارت را به کار می‌برد. می‌گفت آثار فاخری در این سال‌ها نمی‌بینم به آنها ببالم. چرا باید چنین کارهای سخیف و سطحی در نمایش خانگی و حتی تلویزیون ساخته شود؟

همان روزها بود که با او تماس گرفتم و ناگهان بغض او ترکید. در صف گرفتن دارو بود اما تمام فکر و ذهن و نگرانی‌اش برای هنرهای نمایشی بود. صدایش آن صلابت گذشته را نداشت و حتی خیلی سخت می‌شنید. از محبت‌های مردم در کوچه و خیابان گفت و بی‌مهری‌هایی که مسئولان عرصه فرهنگی به او کرده‌اند و حالی از او نمی‌پرسیدند گفت.

در صف خبرگزاری تسنیم نیز نتیجه گفت‌وگو با این هنرمند را اینچنین انعکاس داده است که «حالش این سال‌ها اصلاً خوب نبود. همه فکر می‌کردند تنها درد او درد جسمی است، یا از بیکاری و کم‌کاری‌هایش رنج می‌برد. اما بیشتر می‌گفت نگران آینده تصویر ایران اسلامی‌ام. همواره این عبارت را به کار می‌برد. می‌گفت آثار فاخری در این سال‌ها نمی‌بینم به آنها ببالم. چرا باید چنین کارهای سخیف و سطحی در نمایش خانگی و حتی تلویزیون ساخته شود؟

همان روزها بود که با او تماس گرفتم و ناگهان بغض او ترکید. در صف گرفتن دارو بود اما تمام فکر و ذهن و نگرانی‌اش برای هنرهای نمایشی بود. صدایش آن صلابت گذشته را نداشت و حتی خیلی سخت می‌شنید. از محبت‌های مردم در کوچه و خیابان گفت و بی‌مهری‌هایی که مسئولان عرصه فرهنگی به او کرده‌اند و حالی از او نمی‌پرسیدند گفت.

سلطانیان خیلی توان صحبت کردن نداشت اما از مردم خواست برایش دعا کنند تا بتواند دوباره در صحنه نمایش، دوربین تلویزیون و سینما ظاهر شود. تا از فاصله گرفتنش از دنیای بازیگری می‌پرسیم، سکوت می‌کند؛ آنقدر گلایه و ناراحتی دارد که نمی‌تواند با حالت خسته و بی‌انگیزه‌اش بیانش کند. چرا که پیش از این بارها گفته بود، از سینما و تلویزیون و مسئولان و گروه‌های خاصش بپرسید چرا امثال ما بیکارند؟ مثل بسیاری از پیشکسوتان دیگر به این واقعیت اشاره می‌کند که در بیشتر کارها بازیگران را عده‌ای خاص انتخاب می‌کنند و حتی نقش‌هایی که خرید و فروش می‌شود.

همان‌طور که خودش در گذشته هم گفته بود به محض اینکه جلوی دوربین قرار بگیرد همان اسماعیل سلطانیان سریال‌ها و فیلم‌ها می‌شود. چرا که امثال «سلطانیان» جوانی‌شان را پای بازیگری گذاشته‌اند و با رانت و مافیا وارد عرصه بازیگری نشده‌اند. او در جریان این مصاحبه از بیکاری گفت که افسرده‌اش کرده و عده‌ای تازه‌وارد با اسپانسر و حامی مالی و رانت وارد سینما و تلویزیون شده‌اند.

محکوم به جفای زمانه

اسماعیل سلطانیان داشت به حقیقتی اشاره می‌کرد که همین حقیقت را چندی قبل رضا بنفشه‌خواه در گفت‌وگویی تصویری با تسنیم افشا کرد.

او گفت: زمانه به بازیگرانی مثل ما جفا می‌کند. بسیاری از دستیار کارگردان‌ها، بازیگرانی را انتخاب می‌کنند و ترجیح می‌دهند با یک تعداد خاص از بازیگران کار کنند. تعدادی از افراد هم هستند که عشق فیلم‌اند و پول می‌دهند و نقش می‌خرند.

(بسیاری از بازیگران پیشکسوت و حتی کارگردانی مثل «محمدحسین لطیفی» هم به این دست واقعیت‌ها اشاره کرده‌اند که حتی دستیار کارگردانی گفته فلان بازیگر پیشکسوت آلزایمر گرفته و توانایی جلوی دوربین قرار گرفتن را ندارد. اما وقتی خود «لطیفی» پیگیری کرده، دیده که آن بازیگر این مشکل را ندارد و در سریال «سرّ دلبران» ایفای نقش کرده است.)

اسماعیل سلطانیان از سال ۹۹ فعالیت هنری نداشته است و چه تلخی بالاتر از این که تمام عمر خاک صحنه بخوری و به اجبار از کار کنار کشیده شوی.

این هنرمند پیشکسوت در بامداد ۲۴ خرداد ۱۴۰۲ بر اثر ایست قلبی درگذشت و در روز ۲۶ خرداد ۱۴۰۲ در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد. امید که دغدغه قلبی هنرمندانی از این دست شنیده شود.